



به مناسبت سالروز شهادت سرافرازترین سرباز وطن

حاج قاسم؛ فرزند انقلاب و خادم ملت

ششمین سالگرد شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، فرصتی دوباره برای بازخوانی چهره‌ای است که فراتر از یک فرمانده نظامی، به «نماد مدافع منافع ملی» و «تراز میهن دوستی» در ذهن ایرانیان بدل شد. امروز که شش سال از آن سحرگاه خونین در فرودگاه بغداد می‌گذرد، نام «حاج قاسم» نه تنها کمرنگ نشده، بلکه به معیاری برای سنجش عیار میهن دوستی و خدمت صادقانه تبدیل شده است. دشمن با شناخت دقیق از همین نقش اساسی و الهام بخش بود که خیثانه دست به ترور او زد؛ چراکه سلیمانی تنها یک فرد نبود، او نماد قدرت نرم و سخت ایران بود.

برای شهید سلیمانی، خط قرمز نه حزب بود، نه جناح و نه منافع قبیله‌ای؛ خط قرمز او «منافع ملی مردم ایران» بود. او سیاست را می‌فهمید، اما سیاست زده نبود. جمله معروف او که «من نه اصلاح طلبم و نه اصولگرا»، یک شعار نبود، بلکه مانیفست رفتاری او بود. هر جا که پای منافع ایران و انسانیت در میان بود، سلیمانی فارغ از خط‌کشی‌های سیاسی آنجا ایستاده بود. همین نگاه فرا جناحی باعث شد که چتر محبت او بر سر همه مردم ایران، با هر سلیقه و ظاهری گسترده باشد و دوقطبی‌های کاذب در برابر عظمت نگاه او رنگ ببازند.

در دنیایی که بسیاری برای کسب کرسی‌های قدرت مسابقه می‌گذارند، سلیمانی درس بزرگی از «شناخت وظیفه» داد. برای او میز و مقام اصالتی نداشت. او می‌دانست کجای این پازل باید بایستد تا بیشترین خدمت را به امنیت و عزت این مرز و بوم بکند. وقتی زمزمه‌هایی برای دعوت او به ریاست جمهوری شنیده می‌شد، او بی‌اعتنا به زرق و برق ظاهری مناصب سیاسی، لباس رزم را از تن در می‌آورد. او معتقد بود باید در جایی ایستاد که «مؤثر» بود، نه لزوماً جایی که «نام‌آور» باشد. حکمرانی میدانی او نشان داد که برای حل معضلات کشور، باید در میدان عمل بود.

رمز نفوذ کلام و محبوبیت افسانه‌ای او اما در «اخلاص» نهفته بود. حاج قاسم سال‌ها در گمنامی و پشت پرده مجاهدت کرد. او حقیقتاً باور داشت که «باید به بلوغی برسیم که نباید دیده شویم» و «آن کس که باید ببینند، می‌بینند». همین اخلاص، کارهای او را برکت داد و او را که از دیده شدن گریزان بود، به دیده شده‌ترین و محبوب‌ترین چهره تاریخ معاصر ایران تبدیل کرد.

از سوی دیگر، رابطه حاج قاسم با رهبر انقلاب، الگویی از «اطاعت هوشمندانه» بود. او خود را سرباز می‌دانست، اما سربازی که «دویدنش» برای اجرای اوامرولی، از جنس رفع تکلیف نبود. او برای تحقق منویات رهبری، شبانه‌روز طراحی می‌کرد، برنامه می‌ریخت و با عقلانیت و محاسبه دقیق، شجاعانه به دل خطر می‌زد. ماجرای سوریه نمونه بارز این رویکرد بود؛ آنجا که با درایتی شگرف و برنامه‌ریزی دقیق، نه با شور بدون شعور، بلکه با محاسبات راهبردی، نقشه شوم و پیچیده استکبار در منطقه غرب آسیا را خنثی کرد.

امروز، «مکتب سلیمانی» فراتر از یک نام، یک نقشه‌راه برای عبور از بحران‌هاست. مکتبی که ارکان آن عقلانیت، شجاعت، میهن دوستی، مردم‌داری و اتحاد است. شهادت او اگرچه داغی سنگین بر دل ملت گذاشت، اما خون او درخت تناور همبستگی ملی را آبیاری کرد. بزرگداشت واقعی حاج قاسم، در پیاده‌سازی منش او در مدیریت کشور، ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و تلاش صادقانه برای مردم ایران است. ■

سرمقاله



ﷻ الله اکبر! این صدای ملت ایران است.

ما فرزندان مکتب امیرالمؤمنین ﷺ و پرورش یافتگان مدرسه عاشورا هستیم. ما از نسلی برخاسته‌ایم که شهادت را نه مرگ، بلکه حیات می‌داند؛ حلاوتی که در کلام

سیدالشهدا ﷺ (شیرین تر از عسل) توصیف شده است. در مکتبی رشد کرده‌ایم که صفحه به صفحه کتاب‌های درسی‌اش مزین به تصویر سرداران و قهرمانان شهید است؛ قهرمانانی که زیستن را در مجاهدت و جاودانگی را در ایثار معنا کردند.

سیدالشهدا
 این صدای ملت ایران است

فرزند ایران

نگاه آخر

ﷻ مهسا نتوانست تحمل کند. نمازش را سلام داد: «تورو خدا دیگه نگو محمد. دلم می‌لرزه.»

محمدحسن، تمام آن ۱۲ روز، فقط چند ساعت خانه آمده بود؛ خاکی و خسته. به کارها رسیده بود و بعد پیشانی مهسا و بچه‌ها را بوسیده و از خانه بیرون زده بود. مدام بین پایگاه و گشت بسیج، سپاه و ویرانه‌های موشک خورده، در تردد بود. رصد نفوذی‌ها و بیرون کشیدن پیکرها از زیر آوار، رمقش را گرفته بود. مهسا که از سر و وضعش نگران می‌شد، محمدحسن جواب می‌داد: «شهید نشیم، می‌میریم‌ها!» آنروز اما فرق داشت. کارت‌های بانکیش را یکی یکی نشان مهسا داد: «این کارت حقوقمه. رمزشو که بلدی. این مال جهادیه. بهش دست زنی‌ها. اول ماه باید بچه‌های خیریه پیتزا بخورن. مهسا، حواست باشه، این یکی کارت...»

مهسا‌هی آب ریخته بود به صورت پر اشکش. هی بغض قورت داده بود. چادر نماز سر کرده بود و ایستاده بود به نماز. محمدحسن رفته بود سر وقت بچه‌ها و زیرچشمی مهسا را پاییده بود: «اگه شهید نشیم...»

مهسا اینبار طاقت نیاورده بود. پر چادرش را به صورت کشیده بود و... خبر نداشت بار آخریست که محمدحسن احدی نژاد را از پشت هاله گل گلی چادر نماز می‌بیند. ﷻ فاطمه شاپان پویا

بازی خوانی

حضور مردم؛ کلید ناکامی دشمن

ﷻ دشمن چون میدانند عنصر مردمی بودن نجات بخش این انقلاب و تضمین کننده‌ی آن است، می‌خواهد این را از این انقلاب بگیرد. حواستان جمع باشد. این دیگر خطاب به عامه‌ی مردم از همه‌ی قشرها و گروه‌هاست. حضور شما در صحنه‌ی جهاد، انفاق، انتخاب و در همه‌ی صحنه‌های دیگر در دشمن این فکر را به وجود می‌آورد که باید کاری کند که این حضور از بین برود. و این به چند طریق ممکن است. یا شایعه‌پراکنی میکنند؛ یا تفرقه‌افکنی میکنند... این را شما به گوش داشته باشید. هر حرفی، هر پیشنهادی، هر اقدامی که در آن بوی تفرقه و اختلاف هست، از سوی دشمن است. چه زنده‌ی آن حرف و دهنده‌ی آن پیشنهاد خودش بداند و چه نداند. تا دیدید چنین چیزی مطرح شد، فوراً هوشیارانه آن را دفع کنید. نگذارید اختلاف ایجاد بشود. اختلاف از شیطان است. وحدت میان مؤمنان از خداست. دشمن، یعنی به طور آشکار آمریکا، سلطه‌های ضد اسلامی دیگر، عوامل داخلی، گروهک‌ها، منافقین و غیرهم همه درصدد این هستند که به نحوی این حضور مردمی را از ما بگیرند. ما باید در مقابل آنها بایستیم و این حضور مردمی را حفظ کنیم. مردمی بودن، راز اصلی انقلاب ماست.

ﷻ رهبر انقلاب اسلامی؛ ۱۳۶۱/۰۳/۱۴

قاب

دورهمی فرمانده فراجا با دختران شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

ﷻ فرمانده کل انتظامی کشور سردار احمد رضا رادان به مناسبت روز پدر میزبان دختران شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شد. شهدای فراجا که در راه حفظ امنیت کشور در برابر هجوم دشمن صهیونیستی جان خود را فدا کردند.

